



بازدید شد  
۱۳۸۴

بازرسی شد  
۴ - ۳۶

کتابخانه مجلس شورای ملی		
کتاب جنگ شمار		
مؤلف	شماره ثبت کتاب	
موضوع	۶۱۹۳۶	
شماره قفسه ۴۷۵۲		۱۲۵۹
۹۵۵۹		

خطی فهرست شده  
۹۵۵۹







و از آنکه از وفا آید  
 چشمی آن دم دردمی آنقدر  
 نبیند از شکوه کشته  
 چنانکه در غنیمت  
 عشق او و موقع دل  
 صفت و معنی کاش میسر  
 کمالی نظیر بهاموت  
 استخوان بند از زبان  
 شاه چینی دست کرد  
 ماکدونی که کرد  
 میباید نشان کشته  
 تا بجای دل باخته  
 شدن آن پا که در  
 چشم آن دل را  
 درین حال چاره را  
 خدا بجز مددش  
 زارت بیاورد  
 کار بود بر کان  
 و از آنکه از وفا آید  
 چشمی آن دم دردمی آنقدر  
 نبیند از شکوه کشته  
 چنانکه در غنیمت  
 عشق او و موقع دل  
 صفت و معنی کاش میسر  
 کمالی نظیر بهاموت  
 استخوان بند از زبان  
 شاه چینی دست کرد  
 ماکدونی که کرد  
 میباید نشان کشته  
 تا بجای دل باخته  
 شدن آن پا که در  
 چشم آن دل را  
 درین حال چاره را  
 خدا بجز مددش  
 زارت بیاورد  
 کار بود بر کان

هر کس که بجز در کمال  
 مستعد من نیست کشته  
 مرقوم رقم بخیزد  
 بصفا یقین الیه  
 موصوف و صفات  
 الهی در لایزال  
 لطافت فرایند  
 آخر سکوت  
 سخن خوانده بود  
 من غلبه  
 الکتاب من لم یکن  
 ریش زهره  
 در یک آن روح  
 جانی آن آرد که  
 کفتم کفتم

مردان خود را پیشه زمان بسیار  
 مردان هر صفت مردان بسیار  
 زنان بر خانه زین نشینند  
 شهادت عدول را در دکان  
 در باخودن بسیار باشد  
 سفینه از شرم بیرون آید  
 فتنه نفس از کینه بیرون آید  
 مذهب سواد ماه رمضان  
 یوم شنبه محرم الحرام  
 منقح ماه در درخت رمضان  
 سواد رمضان در حیرت  
 با حبه اول ماه  
 در ماه حبه ظاهر

فناش که بکین را  
 خیر خیر سر بریده  
 درون کشته  
 صفی در بوی  
 چنین گفت  
 خرم نکس که  
 رستم خیر



*[The page contains dense handwritten Persian script in two columns. The right column begins with "و صداه و دراز و محمل و" and continues down. The left column begins with "بکس طوطی چشمنده جاندار و کز انباشتن" and continues down. There are several marginalia notes written vertically along the edges.]*

دشمنی ده که در سر کیم  
بادشاه که در پیش کیم

[illegible][illegible]

امروزه  
مستند

موت







**بسم الله الرحمن الرحيم**  
 بعد کلام دادل بن قاسم دو اند  
 به خن بود که طوطی نواخت  
 باده ای از نواخت دل  
 خلد در جگر باست خن  
 ت که خن کوه تا  
 اکاش میلان من شکست  
 بجز و حکم کار اعدالت  
 بیخت و در کوز دینه خواب

**نیش**  
 رفت در انتفاش بایست  
 شعله دین و شورش  
 با چینی در کوفه دریم  
 واسه دوزخ کاین

گر چه چشم زبانی نازت کیم که نازت بی بار  
 حبیب عشق حافظه نواز و اند که سعادت بسیار  
 ایست تو خنده و در حدیث غم مشتاقم از بر افکند  
 گنونه بر کف کجام با نهرت به بهر از زبان  
 بلبل نرسد در دوست

سحر کیم که خلق مستغرق است از کیم که

مولا و فضل و کمال به نوازت در لونی سرمد دل دارد  
 اندام سحر از کمال  
 شکر طوطی نواز کل و میل  
 آتش از نوازت در کرم  
 در زمزم غم را غنچه لب  
 آلوده خوش شکر لب  
 دلم شکافتم قتل و داغها  
 میسر فتنه خن چاکش از نو  
 کمال حسن که افسانست  
 کانی نبرد کسی را به دل دارد  
 ای کیم که نوازدم از کوه  
 می خن غنچه من خن  
 کیمی نوازدم در کوه  
 در بهرید و کیم  
 نیا کیم که نوازدم  
 ما و خن و عسی و مرغ  
 بهن و رانی و دل نیم  
 روز و عجب و جان  
 در کیم که نوازدم  
 ناکه ز در آمدن خن  
 کیم نوازدم  
 تو خن و کیم  
 ما و خن و کیم

**بسم الله الرحمن الرحيم**  
 بعد کلام دادل بن قاسم دو اند  
 به خن بود که طوطی نواخت  
 باده ای از نواخت دل  
 خلد در جگر باست خن  
 ت که خن کوه تا  
 اکاش میلان من شکست  
 بجز و حکم کار اعدالت  
 بیخت و در کوز دینه خواب



سید  
 هارون و دامادی زبانشم که  
 زبانشم درین خط و اماں کبریا  
 تخلص  
 سرت کرم علاج در جوی کرم  
 بقدر شغف کرم چو ساقی دل عالم  
 ماران موافق از دستند  
 در بار اهل بکان کاشند  
 لودن تنگ شراب در مجلس  
 مملو ز آب پاشی استند  
 سحر  
 موبت را کنگر چنین درم افند  
 انوباض روی خود عالم افند  
 کرد چای خلق بر آرد بکشد  
 آه از غلام چه می کردم افند  
 سنگ و کرم عقد لازم افند  
 ز سیم که کار کف ناعلم افند  
 افکارند دل از غمت ایدست افند  
 از باغ فیکشت چو چنین درم افند  
 لا در و نون بر لاله کنگ  
 صدرا استی یکی عزم افند  
 سید  
 بشاب و دارم کس کس  
 کلمه از زباید و از ذوق  
 سحر  
 بایک خنده در این اهل  
 چو با تو بید که در خانه  
 آرزو و خوار نشی با این  
 از رخ فکرت تو بیند و غش  
 بقدر است کرم و لایب  
 سحر  
 بایک امانیم نیست بعد از کرم  
 باز بخواهد که بوش بر فرارم آورد

[illegible]



۱۱۶۹  
 ۱۱۷۰  
 ۱۱۷۱  
 ۱۱۷۲  
 ۱۱۷۳  
 ۱۱۷۴  
 ۱۱۷۵  
 ۱۱۷۶  
 ۱۱۷۷  
 ۱۱۷۸  
 ۱۱۷۹  
 ۱۱۸۰  
 ۱۱۸۱  
 ۱۱۸۲  
 ۱۱۸۳  
 ۱۱۸۴  
 ۱۱۸۵  
 ۱۱۸۶  
 ۱۱۸۷  
 ۱۱۸۸  
 ۱۱۸۹  
 ۱۱۹۰  
 ۱۱۹۱  
 ۱۱۹۲  
 ۱۱۹۳  
 ۱۱۹۴  
 ۱۱۹۵  
 ۱۱۹۶  
 ۱۱۹۷  
 ۱۱۹۸  
 ۱۱۹۹  
 ۱۲۰۰  
 ۱۲۰۱  
 ۱۲۰۲  
 ۱۲۰۳  
 ۱۲۰۴  
 ۱۲۰۵  
 ۱۲۰۶  
 ۱۲۰۷  
 ۱۲۰۸  
 ۱۲۰۹  
 ۱۲۱۰  
 ۱۲۱۱  
 ۱۲۱۲  
 ۱۲۱۳  
 ۱۲۱۴  
 ۱۲۱۵  
 ۱۲۱۶  
 ۱۲۱۷  
 ۱۲۱۸  
 ۱۲۱۹  
 ۱۲۲۰  
 ۱۲۲۱  
 ۱۲۲۲  
 ۱۲۲۳  
 ۱۲۲۴  
 ۱۲۲۵  
 ۱۲۲۶  
 ۱۲۲۷  
 ۱۲۲۸  
 ۱۲۲۹  
 ۱۲۳۰  
 ۱۲۳۱  
 ۱۲۳۲  
 ۱۲۳۳  
 ۱۲۳۴  
 ۱۲۳۵  
 ۱۲۳۶  
 ۱۲۳۷  
 ۱۲۳۸  
 ۱۲۳۹  
 ۱۲۴۰  
 ۱۲۴۱  
 ۱۲۴۲  
 ۱۲۴۳  
 ۱۲۴۴  
 ۱۲۴۵  
 ۱۲۴۶  
 ۱۲۴۷  
 ۱۲۴۸  
 ۱۲۴۹  
 ۱۲۵۰  
 ۱۲۵۱  
 ۱۲۵۲  
 ۱۲۵۳  
 ۱۲۵۴  
 ۱۲۵۵  
 ۱۲۵۶  
 ۱۲۵۷  
 ۱۲۵۸  
 ۱۲۵۹  
 ۱۲۶۰  
 ۱۲۶۱  
 ۱۲۶۲  
 ۱۲۶۳  
 ۱۲۶۴  
 ۱۲۶۵  
 ۱۲۶۶  
 ۱۲۶۷  
 ۱۲۶۸  
 ۱۲۶۹  
 ۱۲۷۰  
 ۱۲۷۱  
 ۱۲۷۲  
 ۱۲۷۳  
 ۱۲۷۴  
 ۱۲۷۵  
 ۱۲۷۶  
 ۱۲۷۷  
 ۱۲۷۸  
 ۱۲۷۹  
 ۱۲۸۰  
 ۱۲۸۱  
 ۱۲۸۲  
 ۱۲۸۳  
 ۱۲۸۴  
 ۱۲۸۵  
 ۱۲۸۶  
 ۱۲۸۷  
 ۱۲۸۸  
 ۱۲۸۹  
 ۱۲۹۰  
 ۱۲۹۱  
 ۱۲۹۲  
 ۱۲۹۳  
 ۱۲۹۴  
 ۱۲۹۵  
 ۱۲۹۶  
 ۱۲۹۷  
 ۱۲۹۸  
 ۱۲۹۹  
 ۱۳۰۰  
 ۱۳۰۱  
 ۱۳۰۲  
 ۱۳۰۳  
 ۱۳۰۴  
 ۱۳۰۵  
 ۱۳۰۶  
 ۱۳۰۷  
 ۱۳۰۸  
 ۱۳۰۹  
 ۱۳۱۰  
 ۱۳۱۱  
 ۱۳۱۲  
 ۱۳۱۳  
 ۱۳۱۴  
 ۱۳۱۵  
 ۱۳۱۶  
 ۱۳۱۷  
 ۱۳۱۸  
 ۱۳۱۹  
 ۱۳۲۰  
 ۱۳۲۱  
 ۱۳۲۲  
 ۱۳۲۳  
 ۱۳۲۴  
 ۱۳۲۵  
 ۱۳۲۶  
 ۱۳۲۷  
 ۱۳۲۸  
 ۱۳۲۹  
 ۱۳۳۰  
 ۱۳۳۱  
 ۱۳۳۲  
 ۱۳۳۳  
 ۱۳۳۴  
 ۱۳۳۵  
 ۱۳۳۶  
 ۱۳۳۷  
 ۱۳۳۸  
 ۱۳۳۹  
 ۱۳۴۰  
 ۱۳۴۱  
 ۱۳۴۲  
 ۱۳۴۳  
 ۱۳۴۴  
 ۱۳۴۵  
 ۱۳۴۶  
 ۱۳۴۷  
 ۱۳۴۸  
 ۱۳۴۹  
 ۱۳۵۰  
 ۱۳۵۱  
 ۱۳۵۲  
 ۱۳۵۳  
 ۱۳۵۴  
 ۱۳۵۵  
 ۱۳۵۶  
 ۱۳۵۷  
 ۱۳۵۸  
 ۱۳۵۹  
 ۱۳۶۰  
 ۱۳۶۱  
 ۱۳۶۲  
 ۱۳۶۳  
 ۱۳۶۴  
 ۱۳۶۵  
 ۱۳۶۶  
 ۱۳۶۷  
 ۱۳۶۸  
 ۱۳۶۹  
 ۱۳۷۰  
 ۱۳۷۱  
 ۱۳۷۲  
 ۱۳۷۳  
 ۱۳۷۴  
 ۱۳۷۵  
 ۱۳۷۶  
 ۱۳۷۷  
 ۱۳۷۸  
 ۱۳۷۹  
 ۱۳۸۰  
 ۱۳۸۱  
 ۱۳۸۲  
 ۱۳۸۳  
 ۱۳۸۴  
 ۱۳۸۵  
 ۱۳۸۶  
 ۱۳۸۷  
 ۱۳۸۸  
 ۱۳۸۹  
 ۱۳۹۰  
 ۱۳۹۱  
 ۱۳۹۲  
 ۱۳۹۳  
 ۱۳۹۴  
 ۱۳۹۵  
 ۱۳۹۶  
 ۱۳۹۷  
 ۱۳۹۸  
 ۱۳۹۹  
 ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۱  
 ۱۴۰۲  
 ۱۴۰۳  
 ۱۴۰۴  
 ۱۴۰۵  
 ۱۴۰۶  
 ۱۴۰۷  
 ۱۴۰۸  
 ۱۴۰۹  
 ۱۴۱۰  
 ۱۴۱۱  
 ۱۴۱۲  
 ۱۴۱۳  
 ۱۴۱۴  
 ۱۴۱۵  
 ۱۴۱۶  
 ۱۴۱۷  
 ۱۴۱۸  
 ۱۴۱۹  
 ۱۴۲۰  
 ۱۴۲۱  
 ۱۴۲۲  
 ۱۴۲۳  
 ۱۴۲۴  
 ۱۴۲۵  
 ۱۴۲۶  
 ۱۴۲۷  
 ۱۴۲۸  
 ۱۴۲۹  
 ۱۴۳۰  
 ۱۴۳۱  
 ۱۴۳۲  
 ۱۴۳۳  
 ۱۴۳۴  
 ۱۴۳۵  
 ۱۴۳۶  
 ۱۴۳۷  
 ۱۴۳۸  
 ۱۴۳۹  
 ۱۴۴۰  
 ۱۴۴۱  
 ۱۴۴۲  
 ۱۴۴۳  
 ۱۴۴۴  
 ۱۴۴۵  
 ۱۴۴۶  
 ۱۴۴۷  
 ۱۴۴۸  
 ۱۴۴۹  
 ۱۴۵۰  
 ۱۴۵۱  
 ۱۴۵۲  
 ۱۴۵۳  
 ۱۴۵۴  
 ۱۴۵۵  
 ۱۴۵۶  
 ۱۴۵۷  
 ۱۴۵۸  
 ۱۴۵۹  
 ۱۴۶۰  
 ۱۴۶۱  
 ۱۴۶۲  
 ۱۴۶۳  
 ۱۴۶۴  
 ۱۴۶۵  
 ۱۴۶۶  
 ۱۴۶۷  
 ۱۴۶۸  
 ۱۴۶۹  
 ۱۴۷۰  
 ۱۴۷۱  
 ۱۴۷۲  
 ۱۴۷۳  
 ۱۴۷۴  
 ۱۴۷۵  
 ۱۴۷۶  
 ۱۴۷۷  
 ۱۴۷۸  
 ۱۴۷۹  
 ۱۴۸۰  
 ۱۴۸۱  
 ۱۴۸۲  
 ۱۴۸۳

[illegible]



فصله میان خاک و خون خون صید ناوک خورد؛  
مرد و گاه در خاطر هر ان نور مرکان کند؛

[illegible][illegible]



海

[illegible]

1217

[illegible][illegible]

در کمال خفا و در خلوت است  
و از هر که می دانند پنهان است

عبدالواحد  
شیرازی

۲  
اشتر

[illegible]

*(Faint handwritten Persian script)*

[illegible]

بسمه را تنگ مان در صورت  
که برب صحت از ده

۱۰۰

[illegible]

۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين







卷之四

105

گرمش گفت خاک درت را مملو مخ نوح کمر بعضی خدایان شکند

E

ص ص

صورت من عراب م ط

در معنی کلام ط

فی







[illegible][illegible]

چیدر  
دفعه بعد در کاه و قاسم رفتیم  
زاد که در آن کاه و قاسم  
چند روز وقت بکشتن می بردیم  
ز بهر وقت کشتن می بردیم  
چون بباد کشتن می بردیم  
تا کسم در همان در می بردیم  
سکه دیدم در همان در می بردیم  
نیشتم در می بردیم  
چیدر تا سر فرواریم  
پارو امان علیت نان



مکتبہ اسلامیہ

[illegible][illegible]

مجلس  
ایمان و عیسوی و ان  
لاریک بوجه دستور کرد و بود

کوسی

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or title, located at the bottom of the page.











نوع و رقم فوق مذکور است که غرض از برابر ساختن است

[illegible]

پنجویں

[illegible]



2

مفتی محمد رفیع الرحمن

[illegible]

فخرش  
گویند در دم آن مو شنبه  
و این کلمه را در آن  
نقش  
نقش آنقدرند که  
باین حد می رسد که  
حکیم اگر بگوید  
دوست فاجعه آن می تواند

عالمه المسمى بـ

انہی کے ہاں ہے  
کہ جو کچھ کہیں  
میں سوئے بغیر اور  
میں سوئے بغیر اور

[illegible]







الحضارة

وما بقى الهوى والشوق منى  
نخفت على النوايب لآرائى  
سوى روح ترد فى خيال  
كأن الروح منى فى محال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَلَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ  
وَلَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ  
وَلَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ

تفصلاً  
دارم  
اربع  
انهم  
عاشت  
شکستنی  
سینه  
سید







نما اوله کتب

است و فلک قدر سیدمان  
فما در کتب ادب کمال  
در عهد افلاک و صدر نشین  
نشین حجاج و در کونین  
دیار از دلی سیرین  
مال عشق قلم و درو  
نوش میوه و جبین  
و او فتنه در اصل این  
فهم و زلف و خورشید  
در لعل و لب که کاف  
من و در دم این غمزه را  
کی باز که کاین بزم  
ارکیت غایت خود العین  
در این که زده بر دوشین  
ای صانع خفته خالی که او  
کوب و ساز که نواز بایر

دو مجذوب در کشته حیدر  
بیانی از دوزخ و دوزخ  
مثالش کوسه یو و یکن  
از فوس ارتقانی مانی در

از غنای کینه غم از غنای درویش  
از کینه سراج مراد از ناز  
بختی میوه و در اصل این  
نما کامی دنیا از ان کمال  
چون من تمامه دلی حیدر  
بالم بر دلی کوشید  
بدخشن عشق  
مکن و از زلف غنای غدا  
ست که دم کونار کشت  
در عشق اهل کشته  
کام و در آن کار کال او را و در آن

مسته ز قید عقله آزارم  
در دل می کن دوزخ و دوزخ  
کبر کشته کلامه قوت از سر غم  
دو کشته دانه راز با و دارم

نکشته در زاریت کار  
دس از دلم طبع بود  
کرد رخ و زنگال اکبر  
نکشته مرا نجات کرد  
نکست بسلطان اول  
هر که دلم آواره صید  
سجاده زنده در آید  
خالی عشق از عطر  
پوش مکنی تا راحت  
ناروش مکنی تا راحت  
خالی کشته که در دل  
ایام و شمع مکنی  
که قریح صاحب  
لکه مشغول مکنی  
که بر سر کشت و دلا  
ایز صحت و دلا  
تغیر بای  
کشته مثل شکر بار  
حاصل در جهان کشته  
مع نام جاست این کشته

ساقا و باغی ان شربت حافی  
تا دمی با سیمین حجاب  
دو دل یکدلی اضمحلال  
در عاشق اول کی کجایی  
سیم و عادت در ز سیم  
تشنه از حذر می کند کجایی  
سجاده زنده در آید  
خالی عشق از عطر  
پوش مکنی تا راحت  
ناروش مکنی تا راحت  
خالی کشته که در دل  
ایام و شمع مکنی  
که قریح صاحب  
لکه مشغول مکنی  
که بر سر کشت و دلا  
ایز صحت و دلا  
تغیر بای  
کشته مثل شکر بار  
حاصل در جهان کشته  
مع نام جاست این کشته

نیم حجاب کشته شکر و دوزخ  
پوده دوزخ و کشته شکر  
نام جنون از دوزخ  
نوش و عافی از کشته شکر  
کد کد کد کد کد کد  
از دوزخ و کشته شکر  
ناروش مکنی تا راحت  
ناروش مکنی تا راحت  
خالی کشته که در دل  
ایام و شمع مکنی  
که قریح صاحب  
لکه مشغول مکنی  
که بر سر کشت و دلا  
ایز صحت و دلا  
تغیر بای  
کشته مثل شکر بار  
حاصل در جهان کشته  
مع نام جاست این کشته



بسم الله الرحمن الرحيم

اشک عالم کند خورشید و ماه  
از دست رفت صبر از دست  
استخوان خدا را بی تنه  
ابو در را بشکیر ای بابا  
در پیش خدایان اعتقاد  
اروید اسکر بر روی  
ما را مان مجسم شد  
عمل نداشت ما را شکر  
در را عشق که با در حاسر نهادیم  
بوی که کشته ما را در دست گذار  
ما عاشقان هستیم سر از پنداریم  
ان گفته یکدیگر بود و میار  
در فال نیاید عشق و مستی  
از مهر و مانی که آقا و صدا  
که از دست رفت عشق و مستی  
صبر و صبر و صبر

بشکرت ما می دارم  
بغیر از کی و جان جاندارم  
مرا بر روانه دارم  
عشق که بر پا دارم  
بشکرت ما می دارم  
سرمه مالان سودا دارم  
نوع اندر که در دهنه دارم  
ولا دارم ولی ان دارم  
بهای خا بدارم زنده دارم  
حق کو با بر انداز دارم  
مکمل نام و کس می بکند  
نام و کس می بکند  
روشن سو در چشم می بکند  
ما را بخیر می بکند  
کشم شمع صبح که می بکند  
کشته او به کشته می بکند

بسم الله الرحمن الرحيم  
و نه تو زبونش اگر خواستی آمان  
و نه آن که خود بر زبون مردمان  
خود بر را اود می مناجات  
مغفنه مغفنه ماه و سال سال

از دلم با تو چشم  
در دلم با تو چشم  
مرا بر روانه دارم  
عشق که بر پا دارم  
بشکرت ما می دارم  
سرمه مالان سودا دارم  
نوع اندر که در دهنه دارم  
ولا دارم ولی ان دارم  
بهای خا بدارم زنده دارم  
حق کو با بر انداز دارم  
مکمل نام و کس می بکند  
نام و کس می بکند  
روشن سو در چشم می بکند  
ما را بخیر می بکند  
کشم شمع صبح که می بکند  
کشته او به کشته می بکند



باب سیم  
در بیان  
عشق و محبت  
و شوق  
و خیال و  
و غیره

خواه شما را در عداوت و دراز کردن  
و دراز کردن و دراز کردن  
مورخ خوب و طبع و حسن و مرتبه اعلی و آینه و سالی غرض کرده

خطت که آن قدر بود  
و دامن مدید دارد و اگر خطوط را خوب  
میسوزند افشان نموده اجزاء او است  
ما از آن که در این خط است  
منور و احسن و مستطاب و خیر بود  
احسان و ضعف و محنت و رنج  
و دیگر در حدیثی و قوت افغان را



[illegible]

دوباره و در کمال غم که شاد نه را  
بکشد بخت غم است و دل سوخا  
که کسی کرد از او غم خورد و دار  
دلش اندر کز او غم خورد و دار  
خان خنده جوان کنی و گوشت  
نامه بکنی باید از آن خود دانها  
و در میان اندازان خود دانها











بنیاد آفتاب از حق باز بجهنم  
روگاه صبح خورشید سیه کاظم

لباس خازن سحر با کلید صبح  
دریا کش خنک افکار را رستم  
هر بنش از جنت ازین بنیکو  
ازین مقدس لب خاکی ارم

بکرست فرخ بر کف جام لاکه  
درین روزگار و اوج جنت را رستم  
خجاک شام ارم برنده صبح  
دکلم سار و بگویم سازندم

خبر مستدل افق سحابی خجاک  
صبح چیده جاده تنی کشند در بهم  
فصل و در در که بر این صبح را  
یا رختند شکلیا فلک از خشن بزم  
از این لوده لباسی درویش زکری  
بگویم که...

بگویم که...  
بگویم که...

بگویم که...  
بگویم که...

بگویم که...  
بگویم که...

چون از شمع بیگانه شمع  
دلیده اند و غریبه از این ایدم  
بگویم که...  
بگویم که...

بگویم که...  
بگویم که...

بگویم که...  
بگویم که...

مستقار بند ساقه جنت عقاب در  
جبهه بزم ختم بلال از یادگار  
اوج آوردن ها خنک شوی در کمان  
وزیر ار کرد بوم کاظم بهم

بگویم که...  
بگویم که...

بگویم که...  
بگویم که...

بگویم که...  
بگویم که...







مجلی است  
 چشمه علی العبد المذنب  
 عاصم اردم و ان شاء الله  
 ان شاء الله و از یکدیگر  
 خوش نام خدیو کریم و ان شاء الله

نقد است  
 معذرت و ان شاء الله  
 دوزخ از دو برکت  
 نعم و غنم خودی عالم ابد الیک  
 الحقیقی اگر کانتم از انجاء







خود را بعلی بن اطمینان  
که کسی که در آنجا از آنجا

فخر نیکو  
دکیم سوزن شمع خال شعله داشت  
کز مینش دل خورشید کلان درگاه  
ای که خست غلامم در صفت دل  
دائم از خوان ملک عشق و حق مکی

بدره جنت کهنه  
کتاب آموزد در علم کهنه

سید احمد علی قزوینی  
حاصل دولت خانم بعد از این  
که از دین خود انکسار ننکند

کفتم دل زان **غریب** زلف میبوسم  
 وندان طبع زان لب خندان **بیم**  
 آبا چشم از آتش رخ **غریب**  
 دل و روان کند **بیم**  
 نهان **غریب** نور در **بیم**  
 کرد دل سدا در **بیم**  
 از زده ام و در **بیم**  
 در **بیم** و **بیم** **بیم**  
 اول عشق **بیم** از **بیم**  
 نو کو قمار **بیم** از **بیم**  
 وار **بیم** از **بیم**  
 خند **بیم** از **بیم**  
 نو **بیم** از **بیم**  
 که **بیم** از **بیم**  
 در **بیم** از **بیم**  
 است **بیم** از **بیم**  
 کار **بیم** از **بیم**  
 کست **بیم** از **بیم**

Handwritten signature and date: 1302/12/10

سید محمد علی

اول من اول درام  
مورخین درام

[illegible]

2511







[illegible]

از این کتاب که در آن زمانه  
درست است و نوشته شده است  
و در آنجا که نوشته شده است  
از این کتاب که در آن زمانه



من النقص وهو من لا يملك  
منه من لا يملك

در پیش من  
ملا از دست عیان افشود  
چاکست کربان تا در پیش من  
سبز لبیک سبزه خجسته  
ز انکه است کد او در پیش من  
مکلف غم و سوز من  
مردی در میان من















دین و دولت

وای زانو اندر  
میدار و از تو در بهر بیخدا هم  
حق هم بر من نیست حق می خورم  
صد سکه کی جان جان کنی  
و با من خود دهنه کنی

باز آن که از شرف عارفان است  
کنندش هوارست عارفان است

کتابخانه عمومی  
وزارت داد و ستد  
مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه عمومی

این مقام از اتم درجه و بالاتر  
نیست

بکتاب دارم فروغ طریقت

این کتاب در  
 تاریخ طبرستان  
 از قاضی طبرستان  
 در شهر تبریز  
 در روز دوشنبه  
 در ماه رجب  
 در سال ۱۰۰۰  
 در شهر تبریز  
 در روز دوشنبه  
 در ماه رجب  
 در سال ۱۰۰۰

مستخرج من نسخة  
مكتبة الملكة

المذنبه على ابراهيم  
كنهه هوانه على ابراهيم

یا جمیع صلوات الله علیه و آله و سلم  
یا در این عهد الحسن را از این عهد نامت

[illegible]

انكس از نك آهه المستور  
بالبه خا كنه به اعدالت

کتابخانه عمومی  
مکتبہ اسلامیہ  
مکتبہ اسلامیہ

منه على ما في نسخة  
على ما في نسخة

به این کتاب که در این کتابخانه  
 به یاد از دست این کتابخانه  
 به یاد از دست این کتابخانه  
 به یاد از دست این کتابخانه

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الذي جاء به الهدى والبرهان  
والله اعلم بالصواب

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

در کتب معتبره

[illegible]

1

شرف الدار الشكره  
م. آتش سافه در افغانی زرد  
در افغانی م. آتش سافه در افغانی

1

**توقیر**  
الذی خال نقض ارام  
دوانه انکسار  
در دل قلمی  
و در دست قلمی

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

در اقامه عید و جشن و تهنیت

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some minor creases and discoloration, particularly along the edges, suggesting it is old. There is no text or other markings on the page.

که در دور است این کفر ناپاک  
و این کفر ناپاک است دور



الحاصلین الاولیاء کثر الجحمة

بیمبسی طغیانی می از قمار  
دین خسته در جبین زینت  
خیر الم بود از خیم آن زینت  
بیان خیم در و شکاف دیوار  
بیان خیم در و شکاف دیوار  
بیان خیم در و شکاف دیوار  
بیان خیم در و شکاف دیوار  
بیان خیم در و شکاف دیوار  
بیان خیم در و شکاف دیوار

محمود جهان و منیر

قدیم از مرگ و دوزخ  
از بیم نامه در صحن  
از بیم گویا از قی و قیام  
همیشه از بیم نامه در صحن

زین نامه بی نامه که از این و طریقه  
بجا بر سر به چرخ گنبد  
در صف صفا که هر آن که در این  
به که یک روز در طریقه  
در هر یک که فلک بر دم صد گداز  
به که در چنین عز از دم حوردم

محمود جهان و منیر  
قدیم از مرگ و دوزخ  
از بیم نامه در صحن  
از بیم گویا از قی و قیام  
همیشه از بیم نامه در صحن

شاه فیاض آتانه  
بدران صفت خرد و در یوت  
کوه در دشمنان جادوی  
بدران صفت خرد و در یوت  
کوه در دشمنان جادوی  
بدران صفت خرد و در یوت  
کوه در دشمنان جادوی  
بدران صفت خرد و در یوت  
کوه در دشمنان جادوی  
بدران صفت خرد و در یوت



ایمان و فادای  
موت و عین سدا که بود  
غشای آنست باغ کشتی

ضایق مشهد  
از در واد است ملائکه که  
خدمت بسینه پاک زین را نشاند

ایمان  
نیش که خلق کتی را  
عنوان دنا ز ثانی  
موت و عین سدا که بود  
از در واد است ملائکه که

سجده

عشق غم جاودان فوق  
در دلو ملا حان فوق

ما زو شاع تیرا  
در سینه آسمان فوق

ارو میر ساس  
خوشید و آسمان فوق  
موت و عین سدا که بود  
از در واد است ملائکه که

عید و شادانی می روزه  
عقبات غمنا که هر روزه  
هر فلک از هلال و کف قدی  
در سینه با ده می کند در روزه  
نهی زبانه خاشاک می کشد  
پوش از در واد است ملائکه که

افا حسی استغفار  
ز نفس که در عین عید  
خوشی است و سلسله روز و شب  
نزداد مردم از کفایت  
بیزد و زشتی که کفایت  
خار و مرده طعم کفایت  
بود دل منور و سبک  
شیم ازین دمه از کفایت  
در حجاب و شین غمنا که  
از در واد است ملائکه که  
غایه دل روشن که کفایت  
پوش و مرده از کفایت  
کس از من و من از کفایت  
مست و در واد است ملائکه که  
بی کفایت غمنا که کفایت  
از ریحان دیده ام از کفایت  
عاقبت و غمنا که کفایت  
نم از کفایت غمنا که  
نم از کفایت غمنا که  
نم از کفایت غمنا که  
نم از کفایت غمنا که

نم از کفایت غمنا که  
نم از کفایت غمنا که  
نم از کفایت غمنا که  
نم از کفایت غمنا که



**۱** **چندین**  
 با که با غنیمت و صاف کران اسباب  
 مشکل با باد و کوس و داهم  
 طایفه خستگش نشین  
 کارم از دست خستگش  
 کوزه و دانه صابر  
 سوان کسب عیش  
 امیر و حاکم و ارباب  
 یکی بر سر طالع و یکی  
 سنان کوه و انشا و شیب  
 سادگی بزرگ و پند و نهد  
 کسی نده در جهان گذارم  
 بفرست زنت و سرشت نام  
 آنکه نیم احوال و کسب و نام  
 به که در دل گذارم و کسب و نام

میر جبرئیل  
 زاهد فکده و قهار  
 موقوف کتایم  
 او قمارت خواند و فقا  
 ای که نام نام و نام  
 دل از و غلطی جا  
 میل خط من و خطی  
 بی خست و اراده کرد  
 فکاد و دین و دین  
 کرد و دین و دین  
 قد و ورق ساد و دین  
 هر که در دین و دین  
 مملکتان کسب و نام  
 محترم و دین و دین

**۲**  
 از تو از غنیمت و صاف کران اسباب  
 مشکل با باد و کوس و داهم  
 طایفه خستگش نشین  
 کارم از دست خستگش  
 کوزه و دانه صابر  
 سوان کسب عیش  
 امیر و حاکم و ارباب  
 یکی بر سر طالع و یکی  
 سنان کوه و انشا و شیب  
 سادگی بزرگ و پند و نهد  
 کسی نده در جهان گذارم  
 بفرست زنت و سرشت نام  
 آنکه نیم احوال و کسب و نام  
 به که در دل گذارم و کسب و نام

**۳**  
 از تو از غنیمت و صاف کران اسباب  
 مشکل با باد و کوس و داهم  
 طایفه خستگش نشین  
 کارم از دست خستگش  
 کوزه و دانه صابر  
 سوان کسب عیش  
 امیر و حاکم و ارباب  
 یکی بر سر طالع و یکی  
 سنان کوه و انشا و شیب  
 سادگی بزرگ و پند و نهد  
 کسی نده در جهان گذارم  
 بفرست زنت و سرشت نام  
 آنکه نیم احوال و کسب و نام  
 به که در دل گذارم و کسب و نام

از تو از غنیمت و صاف کران اسباب  
 مشکل با باد و کوس و داهم  
 طایفه خستگش نشین  
 کارم از دست خستگش  
 کوزه و دانه صابر  
 سوان کسب عیش  
 امیر و حاکم و ارباب  
 یکی بر سر طالع و یکی  
 سنان کوه و انشا و شیب  
 سادگی بزرگ و پند و نهد  
 کسی نده در جهان گذارم  
 بفرست زنت و سرشت نام  
 آنکه نیم احوال و کسب و نام  
 به که در دل گذارم و کسب و نام



عشق و محبت و خدمت و عبادت  
 در این عالم است و در این عالم  
 که بوی خوشی از او می آید  
 قدم برون نهادن باطل است  
 که گویا نیکویی بر او نیست  
 عشق و محبت و خدمت و عبادت  
 در این عالم است و در این عالم  
 که بوی خوشی از او می آید  
 قدم برون نهادن باطل است  
 که گویا نیکویی بر او نیست  
 عشق و محبت و خدمت و عبادت  
 در این عالم است و در این عالم  
 که بوی خوشی از او می آید  
 قدم برون نهادن باطل است  
 که گویا نیکویی بر او نیست

در این عالم است و در این عالم  
 که بوی خوشی از او می آید  
 قدم برون نهادن باطل است  
 که گویا نیکویی بر او نیست

عشق و محبت و خدمت و عبادت  
 در این عالم است و در این عالم  
 که بوی خوشی از او می آید  
 قدم برون نهادن باطل است  
 که گویا نیکویی بر او نیست

عشق و محبت و خدمت و عبادت  
 در این عالم است و در این عالم  
 که بوی خوشی از او می آید  
 قدم برون نهادن باطل است  
 که گویا نیکویی بر او نیست















مکافات از او در چهار بر سینه که لایق منصب وزارت که یکند

گفت کسی که حلقه های جمیده که مندی دولت و وزارت است در وی  
موجود باشد گفته اخفصال چند است گفت چهار و سه و ده و بی  
گفته بنفصیر بیان کن گفت از چهار یکی همیاریست و سه بردبار است  
که مانع اند او را که پیش از فرست نمودن در کاره اند از رسیدن و بر است  
که در کارهای بزرگ جرات کند چهارم جوایز است که ماله های بزرگ را  
منظر او خطر باشد و جوایز بیان بخواهند و موضع کفخاف بیند  
بر سه اما سه محضت یکی است که جوایز از بیان خدمت بزرگ و بدو  
مکافات بر بیان رساند و معتمدان و کانداز که پیش از سر نمایند  
که از فرمان او سر نمایند و هر دو جرات روزگار را با همه بکنند به اعتماد  
منبت بر امان زمان که خدا بکنند کردار بنده کمال حال است اگر آن که  
آنست که در کار سپردار باشد و کار او در فردا بنده اند و آن یک آنکه این سخن را  
که جوایز دفع بی اند بگوشت و پوست قبول کنند تا فواید بسیار بیند

### نظام الملک وزیر ملک شاه

قبضه روم و سنجق و در حضرت شاه آوردند سوال خطاب نکرد جواب داد  
قبضه سر فرو تا بود و خدمت نکند و گفت اگر او پادشاه است من نیز پادشاهم  
از خدمت و زمین و بر منافع عموم گفته که بگویند گفت چگونه اگر پادشاه  
به بخشی و اگر قضای بخش و اگر باز کار نفع دهن از این هر سه کار یکین ملک  
شاه گفت من پادشاهم و نگاه بجای نه بکنند و نگاه او را بگویم نمود



卷之四

شماره اول از خواب قدم چشم شود دم  
ویدیم و است شب بجر نشود دم

3. *Leptocarpus*

[illegible][illegible][illegible]







張

۱  
 ۲  
 ۳  
 ۴  
 ۵  
 ۶  
 ۷  
 ۸  
 ۹  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

بحر طویل شارپدا

بنشأنا صعبای سخن مدد گزینت که در بنم کرم حیدر بهاد طرب ارشیده  
ابر و غم گردون و کل ثابت پانته سیار و دلف جهان و عود شب جام شفق  
چینی صبح و بچک مویم رود و رک آب فی قواره و مهتاب کل افشای خزان  
چمن سبز بهاران و غیره و فی مرقان خوشی الحان که بقایان حل با کرم  
کند عشق بی یک و نور را صانع کار که کون کلیم که راک و درک ابریشم رقاد  
که رشته یاران و سرشاک بکر عدد خندک روش را اطلو و از غنچه و تاج کلز لاف  
شکن سبیل و جود یک نزه تیغ و دود کون و مغرظم نرگس و سرخه چرخان و نهال  
کل الوان و خم لاف عروسان گلستان و خط جدول چرخ من جنبه سایه حجاب و  
بر مرغ آب موج و صبح دیده کرد آب که در حلقه پر کار سر سیمه کند با و صبارا  
وضع ترکیب بزرگ و بزرگ که در آخر جز بود و نه بر زین نظر بدنه قیام بقایم نه حدیث نه ظاهر و نه ظهور  
نه ضمیر نه مثالی نظیر منقود حیات چنان صیغه انصراف جهان را که از یک کوه  
امرو و فرغ فصل خدا کرد و کیفیت هم و کم حال کی ماضی و بیم چنین مضاعف مجمل  
که ز قانون اشارات حسی از مرکز پر کار ارادت بدو که خط سطح هم برنده  
از حق و عمارا نظم در مرتب جهان داد و نوعی که در هر شش افضلی و غیره صفت خاصه  
از سمیت سلن اشیا بوجود است ناه و نمود مرتب او و علم ذمت از سر حد علم  
اصف خط که ایجاد بوسع هنر و هر صفا و عین و هر مکان که از هر وجود  
با حجاب نظر سلب نمود صفت مشترک معنوی هر خود یافت زمان است  
هر نظر که مجموع و بان وجود از قسم مثبت است و در نره پرور شود و فرس  
تراش زه آب که در خط سطح هوادر میخکبیس هر و حسن اکابر افق  
صبح و خط هنر اول هر رنگ خان توکل علم و سل همیشه منظر کل هر که  
او دور که مخزن اسرار است و در خط عالم آدم صیغه معنوی هر که خط



**کتابخانه**

بعضی از غنای متنی که در این کتاب است  
در اوقات شادی و خوشحالی و جوانی و کمال  
لب بپوشند و کند مجنون بسیار  
فقد خاک ناله غزال فلان را  
از شک که صابر بود که در بند  
زبان صابریتم خاک کلفت بار  
بدین چشم آرسوز خود می برد  
سینه اش زل تنگیم سودا را  
خاک خار را دامن نشیند  
را کرد به مهر جان کشید  
و امیر خود لا اله الا الله  
کنار من که زبان نشیند

که اندر سال اول از خضر عزرائیل ده  
با جز کرکت بیاید : در آن وقت که هر روز  
مستعد بود و در پیشگاه حق تعالی  
همه چیز را با هیچ دریغ و ترسی  
به پیشگاه حق تعالی عرضه می نمود  
چون که در این دنیا همه چیز را  
عقل فطرت می بیند که خداوند  
صادق بود و در این عالم  
فرمان

که هیچ شکرش نیست در این عالم  
بنویشت چنین پنج مونس بر سر او نهاد  
شدین قافله سالاران حسین  
سیدان ازل فرزندان اجل احمد  
استخوانها را شد شعله و شعله  
که شدند گوشه ای از محضت و کرم معراج  
آینه ضاعت کرد رخ شمع تابان  
که دم و پریشانی یافت و بدن دردن و جودش  
رفتن در چنین فقرات و غمش  
نه می نمود که خفقش نه خوشه بود  
همه چیز را ببیند که این همه است و بعد از آن  
به پیشگاه حق تعالی عرضه می نمود  
چون که در این دنیا همه چیز را  
عقل فطرت می بیند که خداوند  
صادق بود و در این عالم  
فرمان

[illegible]



[illegible]

خوشتر دل کشته ام که چو پیرایه ی باز  
 آن لاله افکند سرم جگریم بدم از سر صید لاله  
 بخت بدستش اول کرد ستمکاران  
 بیکان دوستی با دشمنان  
 سیاه چو چاشنی خضر است  
 بر رخسار من نهان  
 از رخ دلی چون بخت  
 خالی که خشم بر رخسار من نهان  
 قند خلد و دود چو شمع  
 آنکه روز و شب از چشم چاشنی نهان  
 بکاه غیر از از کوی  
 حرف کردیم و آرام و روشن  
 عشق ایلی نیست بخت  
 در یادش من نفس من  
 در حق جود و ناسوسیم  
 در حق طرد و کاسیم  
 چو پیشش سپید است  
 در پیشش مشکین است  
 تمامم داغ و کاسیم  
 که با کافور و دود  
 من و دلی من نیست  
 من و دلی من نیست

داغ از خاک بر دلی من  
 از سر صید لاله  
 بخت بدستش اول کرد ستمکاران  
 بیکان دوستی با دشمنان  
 سیاه چو چاشنی خضر است  
 بر رخسار من نهان  
 از رخ دلی چون بخت  
 خالی که خشم بر رخسار من نهان  
 قند خلد و دود چو شمع  
 آنکه روز و شب از چشم چاشنی نهان  
 بکاه غیر از از کوی  
 حرف کردیم و آرام و روشن  
 عشق ایلی نیست بخت  
 در یادش من نفس من  
 در حق جود و ناسوسیم  
 در حق طرد و کاسیم  
 چو پیشش سپید است  
 در پیشش مشکین است  
 تمامم داغ و کاسیم  
 که با کافور و دود  
 من و دلی من نیست  
 من و دلی من نیست















که نه زلی مرد درویش  
سک و خط و روزگار  
در پیش من است  
می آرد و در اندر زمان  
نوار و نوقع آقا  
اما از شریک  
نوط و شریک  
هک طور که در حدیث

مرا عهد و صلح  
درین هم تو چو غنای  
این و صلح کم از حد  
مرا عهد و صلح  
شایسته این قدر خوار  
فروست و عازدست  
نود است اس کی بازار  
بار و جوی و میل  
و کو در و حدیث  
سازار و کوه و جفت  
و سر و کوه و سر  
در و حدیث  
کو تو است  
نزارف تو که جاد  
که کاف شده علم  
ما رفت زنده بود  
ما سو که از اش  
ما سو که دور  
ما سو که دور  
ما سو که دور  
ما سو که دور

ببینی رباب و لایق  
لا بر و شریک  
ببینی رباب و لایق  
لا بر و شریک

ببینی رباب و لایق  
لا بر و شریک  
ببینی رباب و لایق  
لا بر و شریک

ببینی رباب و لایق  
لا بر و شریک  
ببینی رباب و لایق  
لا بر و شریک







































[illegible][illegible]







# المخلصين منهم ما اولد كفا

فصل اول  
 قدم تهاديه سز اولد كفا  
 جبري دارم كيون در مدخل خانه  
 صدق و امان قدس كسي اجازت  
 در جمل انصاف خوار شده  
 خافيت خدام در جمل از توب  
 پند در دم است

فصل دوم  
 زانده صدفه زانده صدفه  
 بنده صدفه زانده صدفه

فصل سوم  
 توبه و غيب و رسم و زينت  
 توبه و غيب و رسم و زينت  
 توبه و غيب و رسم و زينت

فصل چهارم  
 كرامت و شرف و بخت و توان  
 كرامت و شرف و بخت و توان  
 كرامت و شرف و بخت و توان

فصل پنجم  
 خافيت خدام در جمل از توب  
 خافيت خدام در جمل از توب

فصل ششم  
 خافيت خدام در جمل از توب  
 خافيت خدام در جمل از توب



[illegible]

برای علم اندیش و در کتب  
پیدا و در کتب

نفس  
و از خست و زده و طلبت  
منور و از این  
با کم از تنه شکر  
در منور و در طوطا  
چون که از این و در طوطا  
عباسی از این و در طوطا  
فصلی از این و در طوطا  
بنام تو فراداده شد بر دود



















صبرت ولم اطلع هواك على امري واخفيت ما لي منك عن موضع  
مخافة ان يشكوا ضميري صابني الى ادمع من افجري ولا ادري  
ولم الحاسبي بما ذا يقوى الصابر على صبره هال  
اذا علمت ان في صبرك رضى مولاك

اما سمعتم قول الحكماء  
مرشيت ودار رضى اذا كان سخطي ام لا امر باقيه رضى على الامر  
ما صبر لي برضى والمف صبره وجبى ان رضى وتلفنى صبري  
تعودت من الصبر حتى اقبلته واسلمت نفس العز الى الصبر  
ووسع صدري للادى ثم لا ادنى وان كنت احيانا يضيق صدرى  
وحسن لي ما سى من الناس كلهم لعلمي بضع الله حيث لا ادري

قال عليه السلام  
الصبر نصف الايمان  
الصبر قوة من ذاقه  
الصبر ارفع العلم  
ممكن ان يثبت  
تدعويت قدوة  
يتم الصبر وانما  
علم مني وودع  
بدل نوم در الصبر

تأليفه



قال سقراط فكروا في ان اللذة مشوبة بالقبيح ثم  
 فكروا في انقطاع اللذة وبقاء القبح قال الفصيح  
 بن عياض لا يطلب الرجل الدنيا باقية ما يطلب به الدنيا  
 احسن من ان يطلبها باحسن ما يطلب به الاخرة  
 قال الجنيد الصوفي لو صحتي فاجر حسن الخلق كان  
 احب الي من ان يصحني طابعتي الخلق قال لان حسن  
 خلق الاول لم ينجون عليه والثاني بالصدقة  
 اذا انت صاحبت الرجال فكيف في  
 كانه ملوك كل رقيق وكن مثل طعم الماء عذبا وباردا  
 على كبد حري لكل صديق

انما انما انما  
 وان رايت سائر ههنا  
 تبت ههنا لا عيب فيه

اذ انابتك يا بية الزمان  
 ما فيك من الشيم الحسنان  
 وهل عود يفوح بالادخان

من الحسن فربما  
 دسيسة الحسن من دل وادود  
 زانود زانود ورفق تادود  
 الفصيح ما هو عجب  
 در درازا وادود وادود



لا تضمن لنا في الغنى حسدا فالله لا يترك الانسان محسوبا  
وكل من كان موقفا على عدم يفضي اليه فلا تحسبه موجبا

ما كان في قلبه  
فانه يبين فيك ولا  
يتم في عدوك  
من ذنابة الحسنات مولى الاذواق الا

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰







۱  
 ۲  
 ۳  
 ۴  
 ۵  
 ۶  
 ۷  
 ۸  
 ۹  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

[illegible]







شاه ملک کام و دول است افال تو اینکه خداست نشان خیال کام و دول را هر در دست تو چون

*(Faint handwritten text in Persian script, likely bleed-through from the reverse side of the page.)*

کتابخانه

[illegible]















یار و افراخته قامت رسیده  
پیر سرش شمع سیدان من  
مژده طراز و قیامت رسیده

مهر

بفرمانده دایم خوش خلق  
سازان دایم که در این عالم  
کرم خواجه سیدان من  
که در خاکسترم بافت و در  
که در خاکسترم بافت و در  
تو بودی که در این عالم  
مردان دایم که در این عالم  
دو چشم که در این عالم  
با کرم از غم خوار کرد

صادق کاشانی  
کرم که در این عالم  
خاطر از این خسته دل  
کرم که در این عالم  
کرم که در این عالم  
کرم که در این عالم  
کرم که در این عالم  
کرم که در این عالم  
کرم که در این عالم

مهر

مهر که در این عالم  
عاقبت از این خسته دل  
کرم که در این عالم  
کرم که در این عالم  
کرم که در این عالم  
کرم که در این عالم  
کرم که در این عالم  
کرم که در این عالم  
کرم که در این عالم

111















海

و شد بد و بدی  
کو در آفتابم ز غبار  
حق عارفان ای افکار  
معانی سرور ادم از حق دست  
اکویم زدودن سیرم  
در عالم کمال آورد دار  
خداست من از خدا دار  
بیاد  
فصل طالع منم  
اگر است دوی سگدار  
نشون دهند منم زند  
منه که از بهار

کتابخانه  
بسم الله الرحمن الرحيم  
ما که در حال صفتی است و در پیش  
شایسته خدای تعالی که کلین است  
و حققت با جانی که کلین است  
از نظر من و کوفان محاسبه  
کنند آنکه کلین است

باسم القضاة واليد

باب فی الجہاد

[illegible][illegible]



24

[illegible][illegible]



116.

[illegible]

مع قیام بیکه سبقت زده باز  
 جام یکصداده دویم پیشین باز  
 دو طبع از شکسته شمع شوم که کداز  
 از شعله شعله باز

رفتن بر آنکه آنکه در خانه  
 آمد و آنکه در خانه  
 رفتن بر آنکه آنکه در خانه  
 آمد و آنکه در خانه

جود و احسان و شرف و کرم  
 کشف و کرامت و کرم و کرم  
 کرم و کرم و کرم و کرم  
 کرم و کرم و کرم و کرم

[illegible][illegible]

از خردمند است که در این عالم  
سودا را به دست خردمندان بدارد  
که به هر چه که در دست او افتد  
باز در دانه فقر و بیکاری منع ندارد  
و حقش نیست که به این دنیا بیفتد  
چون که در این عالم

مستحقان و مستحقین را در این کتاب  
توضیح داده شده است که هر کس  
در این کتاب مشاهده کند

اللهم اني ارجو ان اكون من  
 الذين يرضون الله في كل حال  
 وحين  
 اللهم اني ارجو ان اكون من  
 الذين يرضون الله في كل حال  
 وحين

[illegible]

در ظاهر فتنه

در وجه مراد از انچه در متن است

12

ابن زوئم در دل و  
 غنا از غنی و  
 شکرتی حکیم  
 صدقانه درم دیدار  
 می داد و می داد

و در این کتاب که از حضرت علی علیه السلام است و در آنجا که میفرماید  
که هر کس که در راه خدا بکشد یا بداند که در راه خدا بکشد

وہی کہ جس نے اسے دیکھا ہے  
اس کی طرف سے وہی کہ جس نے

و اینست که در این روز جمعه  
که در این روز جمعه است  
که در این روز جمعه است

[illegible]

این است اعدای قسم  
 که میگویند ازاد تو هم  
 محض کلامی و بی عمل  
 عشق تو ازاد تو هم

مریتم زن من  
 لهنه نیکو  
 چون نیکان  
 کو با خدایا  
 از خود دفع از رخ زیبا  
 لکن بودار و دار

کل سر من  
فویاد با کتار از رخ  
در حق صید دوزخ  
سهر با پر از انش  
افز سید اندام کتار تو دار

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

در سینه از خاک

کتابخانه عمومی

تاریخ  
تاریخ  
تاریخ











۱۰۰

[illegible][illegible]



[illegible]

الحمد لله الذي جعلنا من عباده الصالحين

[illegible]







من مریا بسوز آوردم مایه شکر را بر او ز آوردم از نو خوش تر سید زد و دلش گدازد و دل جماعتش را

[illegible]

یکو سبیل اشک امید خاشاک صمیم  
 جانی می دهد دایم او در دوزخ می  
 رفتی که نمی گذارد از جان من خالی  
 بقدر از آن صدور از دل و از کف می  
 قطره خنک عشق اشک بر دهنده  
 اوید زخم اخگر و بارش را  
 دارم دل که اول شب می دهد  
 خورشید را کوفته بر رخسار  
 در چشم آفتاب انداختن از رخسار  
 بخت از رخسار او مرا مال و پیر  
 گوشتی که دل او در من  
 بنده عشقی که عالم را جانی  
 سوخته از داغ همداد شد  
 نایب امشب شاد و پر شادی  
 نقد جان من که در من  
 کرمه عشق من که در من  
 عاریت از رخ می کنند  
 کرمه چاره بکنند که  
 خون من از زلف من  
 کرمه من که

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.











41

از دست تو دلان منم  
 مشتاقان نیست مرا هم  
 سر جانم ز پایشان  
 سوز دل داغ منم  
 سرخ کوفت و کلبه  
 کوهان در عشق منم  
 ابرو شد شب برون  
 از غیب چراغی منم  
 دل من در انصاف و انانی  
 در دست تو کوی دل منم  
 از دست تو غایب منم  
 از دست تو ارباب منم  
 از دست تو اخذان منم  
 کز دست تو در خواص منم  
 فساد و بار بخت منم  
 از ضعف کمال منم  
 از دست تو در خواص منم  
 کز دست تو در خواص منم

انصاف و انانی  
 در دست تو کوی دل منم  
 از دست تو غایب منم  
 از دست تو ارباب منم  
 از دست تو اخذان منم  
 کز دست تو در خواص منم  
 فساد و بار بخت منم  
 از ضعف کمال منم  
 از دست تو در خواص منم  
 کز دست تو در خواص منم

از دست تو غایب منم  
 از دست تو ارباب منم  
 از دست تو اخذان منم  
 کز دست تو در خواص منم  
 فساد و بار بخت منم  
 از ضعف کمال منم  
 از دست تو در خواص منم  
 کز دست تو در خواص منم

از دست تو غایب منم  
 از دست تو ارباب منم  
 از دست تو اخذان منم  
 کز دست تو در خواص منم  
 فساد و بار بخت منم  
 از ضعف کمال منم  
 از دست تو در خواص منم  
 کز دست تو در خواص منم

مولد ملک فر  
راستشایید بنام یار و دوست  
که خانان من سیران حجاب می یاب  
ماچ طعنه و جهان غلبه از لب  
چیز و دل خود را و لب و دانه











[illegible]

محسن  
 یکدیگر را از این دنیا دور  
 زدوی تو با گمانت نبرد  
 منم  
 جان شکست و منم  
 شاد بستم و منم  
 فغان کان کس  
 از دل جان کند  
 یار سدر را خردم  
 میکند خفا ملک  
 یک کاه و مرا که  
 در امانگاه و کوی  
 کوی تو ام زین  
 او را تو ام از تو  
 اوقات که خست  
 مردن مرا در بار  
 بزم انیس  
 عالم را تو از انان  
 شد خیر ملک  
 در این کوی  
 کسب به چه  
 خواند و کس  
 در کسب  
 در کسب

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the text from the previous page, written in a cursive style.

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.







۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

منه  
مهرم  
سازد و دعا را بدین  
آتی در پس لاله و کمر  
صیج زلف خسته بودم نیم جوی  
بهوید ملک آفت بود  
خام تر شوق تو نغیبی  
منی بایا تم و میر اندم

مکتبہ اسلامیہ  
اردو نوری قسم

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱







Handwritten manuscript in Arabic script, featuring a vertical column of text. The text is written in a cursive style, with some words highlighted in red ink. The manuscript appears to be a page from a larger work, possibly a historical or literary text.

برضای انعیب آلود دارد  
مرحمت در نظر جود آلود دارد  
سبحان صبر دلاویز آلود دارد  
و صفت حبس آلود دارد

کفایتی با خدایین  
 تا چند تکلف نیست  
 که منع نیست و این  
 بکدام که هر دو  
 نمی زخم و آفتاب  
 کی در دوا  
 کی در دل و جان  
 کی در اندک  
 خردم نگاه  
 صبحی میکند  
 سابی دوی  
 مانده نمی  
 کی میباید  
 صدف خانه  
 محکم است  
 در این  
 کفایتی با خدایین  
 تا چند تکلف نیست  
 که منع نیست و این  
 بکدام که هر دو  
 نمی زخم و آفتاب  
 کی در دوا  
 کی در دل و جان  
 کی در اندک  
 خردم نگاه  
 صبحی میکند  
 سابی دوی  
 مانده نمی  
 کی میباید  
 صدف خانه  
 محکم است  
 در این

منش محکم  
از منشی دایم اسبج میانی  
از منشی دایم اسبج میانی  
از منشی دایم اسبج میانی  
از منشی دایم اسبج میانی







۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

[illegible]



در این کتاب  
 نوشته شده است  
 که هر کس که  
 بخواند آن را  
 در روز قیامت  
 بهشتی شود  
 و هر کس که  
 ننویسد آن را  
 دوزخی شود  
 این کتاب را  
 در روز قیامت  
 بخواند  
 و در روز قیامت  
 بهشتی شود  
 و هر کس که  
 ننویسد آن را  
 دوزخی شود  
 این کتاب را  
 در روز قیامت  
 بخواند  
 و در روز قیامت  
 بهشتی شود

هر کس که  
 بخواند این کتاب  
 در روز قیامت  
 بهشتی شود  
 و هر کس که  
 ننویسد آن را  
 دوزخی شود  
 این کتاب را  
 در روز قیامت  
 بخواند  
 و در روز قیامت  
 بهشتی شود

هر کس که  
 بخواند این کتاب  
 در روز قیامت  
 بهشتی شود  
 و هر کس که  
 ننویسد آن را  
 دوزخی شود  
 این کتاب را  
 در روز قیامت  
 بخواند  
 و در روز قیامت  
 بهشتی شود  
 هر کس که  
 بخواند این کتاب  
 در روز قیامت  
 بهشتی شود  
 و هر کس که  
 ننویسد آن را  
 دوزخی شود  
 این کتاب را  
 در روز قیامت  
 بخواند  
 و در روز قیامت  
 بهشتی شود  
 هر کس که  
 بخواند این کتاب  
 در روز قیامت  
 بهشتی شود  
 و هر کس که  
 ننویسد آن را  
 دوزخی شود  
 این کتاب را  
 در روز قیامت  
 بخواند  
 و در روز قیامت  
 بهشتی شود











میرزا رفیع الدین و اولاد  
دانشمند و نویسنده  
میرزا رفیع الدین  
دانشمند و نویسنده  
میرزا رفیع الدین  
دانشمند و نویسنده

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰























در کتب طبعی و غیر طبعی  
در کتب فقهی و کتب فلسفی  
در کتب ادبی و کتب تاریخی  
در کتب نجومی و کتب ریاضی



Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, with red ink used for headings or initials. The text is written on aged, slightly stained paper. The script is dense and fills most of the page, with some lines written in a larger, more decorative hand. The red ink is used for emphasis, marking specific words or the beginning of new sections. The overall appearance is that of a historical manuscript or a collection of letters.

[illegible]















به مجبور و سر بسجده نزارانم که شهنشاه از بادام و  
 لیلان نزار خاک و جگر نزار از ناله کاری نه ملاری بارو  
 نه زینتی نه شغیفی چه بود که بهوداری ابهرمت و در فلک بارو  
 در خرم سر نیز کند گلشن امید طران دیده آفت زده شاخه بارو  
 بچاره صبرت زده کوخته کسب غوغین جگر و اله زقاده بی بال پر بارو  
 نبود ابهر در فشان بود امر چه کردان فلک غاشبه کشته  
 والد مدح کس زمان منظر الشیاء و مکان و جهان و به تخفیف و  
 اموزد کرم نوشته فراد و خرد جوهر زینتی و جهان و به تخفیف و  
 گفت شاه که بر بزدلش را یک آینه باط سرفش عینی که لالت و دلش  
 فرش ظمورش منادی مفورش متوالی صفش عینی که لالت و دلش  
 بایل خیرات و که در عهد عدالتش روش شمع پسین که لالت و دلش  
 بود بر همه واجب که شب نور با خلاص غام دل صافی که لالت و دلش  
 بقیل شهنشاه ای و سنوری آیین دعا

دوست محمد زینتی سر ابدار  
 رفغانی اوست فاشی در کالی اودام  
 نقدی ایما ز زبان او ده ام  
 ایش منم ایش آید و  
 غلطه تو خاتم اودام

ایاه چه وقت که کشان بود  
 ای سر و دست خرم نزار بود  
 سیمین بخت چون دل بودم  
 کی وقت جگر زده کفن بودم  
 ای خاک چه طالع مفرد ار  
 بر جا که بر خیزت و بر در ار  
 جوان جهان سپهر شدند از عالم  
 نویسنده ای سر ابدار  
 محمد که ده باره ناکام  
 محمود که ده باره ناکام

گلزار

صد جیفه از صفت کون فتم  
 در آینه جگر چه کجاست  
 بر دم دل چه نیست  
 ناکام به کسب ابرار  
 سخن ز منم کجاست  
 زینتی کسب بی سر

در آینه جگر چه کجاست  
 بر دم دل چه نیست  
 ناکام به کسب ابرار  
 سخن ز منم کجاست  
 زینتی کسب بی سر







Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, with red ink used for headings or initials. The text is arranged in a single column, flowing from right to left. The script is dense and highly stylized, characteristic of historical manuscript writing. There are several large, bold red characters interspersed throughout the black text, possibly marking the beginning of new sections or highlighting specific words. The paper appears aged and slightly discolored.



Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, covering the left page. The text is dense and written in black ink, with some red ink used for headings or initials. The script is highly stylized and difficult to decipher without specialized knowledge.

Small handwritten note or signature in the center of the right page.

Handwritten text at the bottom of the right page, possibly a date or a reference.

Handwritten text at the bottom of the right page, possibly a date or a reference.











در سال اول ملک جوین بود  
 یک قدم مرگ ز دنیا بل تحمل ماند  
 زان زمان خیم کن پیش آمد  
 چه کنم و نه کنم ز دیوانه  
 چنان فرود آمدیم فوج عشق او  
 زینت در خرابی آمدیم  
 در سال اول ملک جوین بود  
 یک قدم مرگ ز دنیا بل تحمل ماند  
 زان زمان خیم کن پیش آمد  
 چه کنم و نه کنم ز دیوانه  
 چنان فرود آمدیم فوج عشق او  
 زینت در خرابی آمدیم

قلمی است

در سال اول ملک جوین بود  
 یک قدم مرگ ز دنیا بل تحمل ماند

قلمی است

زان زمان خیم کن پیش آمد  
 چه کنم و نه کنم ز دیوانه  
 چنان فرود آمدیم فوج عشق او  
 زینت در خرابی آمدیم

طهرات کور و غیره در همه جا نام دارد اما در قند و زعفران و گندم و کدو و ...



